فلاش بک

● همراهان همیشگی ما هم‌چنان با راهنمایی‌ها، تذکرها، اظهار نظرها و تشویق‌های‌شان به ما دل‌گرمی می‌دهند، اما گاهی بعضی از دوستان فراموش می‌کنند که «فیلم» یک ماهنامه است و برای این‌که اول هر ماه منتشر شود باید دست‌کم یک هفته زودتر به چاپخانه فرستاده شود. به همین دلیل امکان ندارد بتواند مثل یک روزنامه یا هفته‌نامه برخی رویدادهای سینمایی را پوشش دهد. برخی از پیام‌های این ماه به تبریک‌ها بابت برنده شدن اصغر فرهادی در گلدن گلوب اختصاص داشت و عده‌ای هم شتاب‌زده گلایه کرده بودند که چرا به این موضوع در شمارهٔ قبل - که دو روز پس از آن رویداد منتشر شد - نپرداخته‌ایم! و البته می‌دانید که شمارهٔ جشنواره یک شمارهٔ ویژه است که بخش‌های معمول مجله را ندارد و فقط خاص فیلم‌ها و برنامه‌های جشنواره است.

این یادآوری هم لازم است که بخش «فلاش‌بک» به بازتاب‌های شماره‌های گذشته و نظر خوانندگان دربارهٔ مطالب مجله اختصاص دارد. اظهار نظر دربارهٔ فیلم‌های یک فیلم‌ساز و اشکال گرفتن به شیوهٔ مدیریت سینما یا حتی نحوهٔ برخورد سینماگران با مردم در حوزهٔ موضوع‌های «فلاش‌بک» نیست. البته در مواردی که ضرورت داشته باشد این گونه پیام‌ها را هم (اگر نیاز به پاسخ داشته باشد) در اختیار همکارمان احمد امینی قرار می‌دهیم، ولی اساساً چشم‌به‌راه نظرها و نقدها و پیشنهادها دربارهٔ مطالب چاپ‌شده هستیم. دربارهٔ پیام‌هایی که پیاپی و فراوان به شمارهٔ مجله ارسال می‌شوند هم فقط می‌توانیم خواهش کنیم که مثل همیشه کم گفتن و گزیده گفتن را در نظر داشته باشند.

آقای کیومرث وجدانی در پاسخ به پرسش خانم فاطمه علمایی دربارهٔ دلیل استفاده از مترجم برای نوشته‌هایش، توضیح داده که متأسفانه به دلیل سال‌ها سکونت در خارج از ایران، نوشتن به زبان فارسی برایش مشکل است و مطالبش را ناچار به انگلیسی می‌نویسد که تسلط بیش‌تری بر آن دارد. او به خاطر برقراری این‌نوع ارتباط غیر مستقیم با فارسی‌زبان‌ها معذرت‌خواهی کرده و از فرهاد پدوین هم به خاطر پیام محبت‌آمیزش تشکر کرده است. دو تن از خوانندگان هم به دو اشتباه لپی در شماره‌های گذشته اشاره کرده‌اند (انتساب فیلم بازداشتگاه شمارهٔ ۱۷ بیلی وایلدر به اتو پرمینگر - که در واقع بازیگرش بوده - و این‌که بازیگر فیلم دو قاطر برای خواهر سارا شرلی مک‌لین بوده و نه آدری هپبرن) که از آن‌ها سپاسگزاریم.

چند پیام

- **وحید بهمن‌آبادی**: به نظرم هر فیلمی قابلیت نشانه‌شناسی ندارد که دربارهٔ فیلم **اسب حیوان نجیبی است** این طور نقد می‌نویسند.

- **محمدعلی** از اردبیل: واقعاً نقدهای آقای نورایی یک سر و گردن از نوشته‌های سایر منتقدان بالاتر است.

- **قاسم فتحی**: چرا حتی یک منتقد به عبارت‌های رکیک فیلم **اسب**... اشاره نکرد؟

- **آرمین غلام‌زاده** از تهران: لطفاً پرونده‌ای دربارهٔ دیوید لینچ تهیه کنید. خسته شدم از بس به دیگران توضیح دادم که او فیلم‌ساز بزرگی است.

- **علی نواصر** از بوشهر: لطفاً پرونده‌ای دربارهٔ فیلم‌هایی که داستان‌شان برگرفته از ماجراهای واقعی است تهیه کنید.

- **سهراب امامی** از کاشان: در صورت امکان کتابی از مجموعهٔ پرونده‌های «سایهٔ خیال» چاپ کنید.

- **فرهاد کیانی**: نقدهای خانم آرامه اعتمادی ممکن است اشکال‌هایی داشته باشد، اما همین‌که پس از سال‌ها یک نویسنده و منتقد زن در مطبوعات سینمایی ما مطرح شده اتفاق مثبتی است. هنوز خاطرهٔ خوب نقدهای خانم‌های منتقد و نویسندگانی مثل آنتونیا شرکا، نغمه ثمینی و هما توسلی به یادمان مانده است.

- **محمد نقوی** از کرمان: تعهد، پشتکار و اعتدال‌تان ستودنی است.

- **محسن قره‌سوری** از اهواز: مدتی است مجله را از آخر می‌خوانم. ممنون به خاطر بخش جذاب «بیست سال پیش در همین ماه».

- **محمدامین طاهری** از مشهد: بهتر است یادداشت کارگردان‌ها را در بخش رویدادها چاپ نکنید، چون جای این یادداشت‌ها شمارهٔ ویژهٔ جشنوارهٔ فجر است.

- **سعید قادری** از کرمانشاه: عجیب‌ترین چیزی که از کیارستمی می‌شد شنید پشیمانی از کار با نابازیگران فیلم‌هایش است. من هیچ‌وقت رغبت نکردم فیلمی از کیارستمی را ببینم، ولی از خواندن مصاحبه‌اش بسیار لذت بردم.

- **محسن شمس**: سینماهایی که می‌رفتیم یکی‌یکی تعطیل شدند. از دوران خوش گذشته همین مجلهٔ «فیلم» برای‌مان مانده است. پایدار بمانید.

- **فاطمه علمایی**: نقدهای **شیرین** عموماً بر موضوع اشتباهی تکیه کرده بودند. بازیگران **شیرین** به «هیچ» نگاه می‌کردند، نه به فیلمی که روی پرده نمایش داده شود یا صدایی که در فضا پخش شود.

- **امیرعطا عصاره** از تهران: متأسفانه چند روز پیش متوجه شدیم که پدرم مبتلا به سرطان خون شده. در این روزها که همهٔ وقتم با ترس از دست دادن پدر همراه بود و در بیمارستان به دنبال سلامتی‌اش می‌دویدم تنها همدم‌ام ماهنامهٔ «فیلم» بود.

● **برای پدر این خوانندهٔ عزیز آرزوی بهبودی و سلامت داریم.**

- **ایمان سیدی** از درگز: مصاحبه با کیارستمی عالی بود و طرح جلد شمارهٔ ۴۳۷ هم غافل‌گیرم کرد.

- **علی قدم‌یاری** از شیراز: کیارستمی چه ایده‌های بکر و جذابی در ذهن دارد.

- **شیما ج.** از تهران: نقد نوشتن روی فیلم‌های ضعیف کار سختی است و کم‌تر اتفاق می‌افتد که بتوان حرف‌های تازه‌ای دربارهٔ آن‌ها زد. از آقای پوریا ذوالفقاری بابت نقد فیلم **اخلاقتو خوب کن** ممنونم.

- **علیرضا پارسی** از تهران: در شمارهٔ ۴۳۷ در پنج جای مختلف آهنگ‌ساز فیلم **رانندگی** را آنجلو بادالامنتی نوشته‌اید، در صورتی که صحیح‌اش کلیف مارتینز است. این اشتباه از مجلهٔ شما شروع شده و به عنوان یک منبع معتبر مورد استفادهٔ بسیاری از سایت‌ها هم قرار گرفته است. لطفاً در این موارد دقت بیش‌تری کنید که غلط یا اشتباهی را اشاعه ندهید.

● **در عنوان‌بندی نسخهٔ اولیه‌ای که از این فیلم در کشور ما منتشر شد، نام آهنگ‌ساز بادالامنتی آمده اما در نسخهٔ رسمی و نهایی نام کلیف مارتینز به عنوان آهنگ‌ساز دیده می‌شود. در منابع معتبر اینترنتی هم سازندهٔ موسیقی فیلم مارتینز است. متأسفانه به دلیل سرعت پایین اینترنت در روزهای تدارک انتشار آن شماره، به سایت رسمی فیلم دسترسی نداشتیم و ترجیح دادیم به عنوان‌بندی استناد کنیم. با تشکر از توجه خوانندگان از این بابت پوزش می‌خواهیم.**

- **رضا طاعتی‌نیری**: در بخش نقد خوانندگان همیشه یادآوری می‌شود که «کم گوی و گزیده گوی...» من به عنوان کسی که در شهرستان شرایط فرهنگی و هنری مناسبی ندارم، تنها امیدم نوشتن همین چند خط است. چرا به نقد خوانندگان جای بیش‌تری اختصاص نمی‌دهید؟

- **فائزه طلایی** از مشهد و **مقدم** از تهران: از آقای شاهین شجری‌کهن به خاطر مقالهٔ انحلال خانهٔ سینما ممنونیم. چون بسیار کامل و ضمناً موجز